

FRANZ KAFKA

THE CASTLE

قصر

فرانتس کافکا

اقتباسی از رمان اصلی



www.ketab.ir



Kafka, Franz

کافکا، فرانزس، ۱۸۸۳ - ۱۹۲۴ م.

قصر: فرانزس کافکا؛ ترجمه: شهناز ایلدرمی.

تهران: کارگاه فیلم و گرافیک سیاس، ۱۳۹۷.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

عنوان اصلی:

The Castle

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت

ترجمه و منتشر شده است.

موضوع: داستان‌های آلمانی - قرن ۲۰ م.

ایلدرمی، شهناز، مترجم

PT۲۶۳۲ / ۶ق

۱۳۹۷

۸۳۳/۹۱۲

۵۱۷۱۶۹۲

شماره کتابشناسی ملی:



مقدمه

قصر یکی دیگر از آثار بزرگ و نامیام کافکا است. همواره دو نظریه وجود دارد: یا این داستان، پیچیدگی بی‌پایان مخصوص کافکا را دنبال می‌کند که در آن هر شرطی که موند پیچیدگی‌های دیگری است و هر پرسش، پاسخ و ضدپاسخی دارد که منجر به پرسشی دیگر می‌شود، یا فقط پایان می‌یابد. پایان نمی‌پذیرد، بلکه از فرسودگی مطلق فرو می‌ریزد، همانطور که قصر در حالت ماحراجا زوال می‌یابد.

اغلب این طور تفسیر می‌شود که قصر در مرکز داستان نمایانگر یک بروکراسی کور و مطلق است که تسلط زیادی بر آن دهکده‌ی برف گرفته دارد. ولی طبق نقدهایی که به آن داده می‌شود، این اساساً یک موضوع است. آنچه در نظر گرفته می‌شود عدم دسترسی کاخ و اشتیاق دست‌نهایی آن است که معنایی به وجود می‌آورد که منجر به رفتارهای نوکرمانه می‌شود. در زندگی آنجا هیچ کاری به اهمیت به قصر نیست، همان طور که بارناباس بیک انجام می‌دهد (یا تصور می‌کند که انجام می‌دهد)، هیچ احساس قدرتی بالاتر از هیجان تحویل دادن نامه‌ای بی‌ربط و بی‌معنا از سوی صاحب منصبان قصر به شخصیت اصلی رمان، ک... نقشه‌بردار نیست (فردی که نه واقعاً نقشه‌بردار است و نه آن روستا نیازی به نقشه‌بردار دارد). یا برای خانواده آملیا، خواهر بارناباس، که توسط یک مقام پایین رتبه قصر مورد اهانت شدید قرار گرفته و زندگیشان ویران می‌شود؛ اکنون پدر خانواده باید تن به خفت بدهد و از آن مقام پایین رتبه قصر عذرخواهی بکند، چون دخترش پیشنهاد بی‌شرمانه او را رد کرده است.

هسته داستان روی ک. غریب است که از ناگجاآبادی با یک چوبدستی می‌رسد. ک. به اندازه جوزف ک. که پیش از این در رمان محاکمه آمده بود «کافکا» است. برخلاف جوزف ک.، «ک.» در برابر یک قدرت ناشناخته وارد عمل نمی‌شود ولی تمام سعیش را می‌کند تا برای خدمت کردن با مردم دهکده یکی شود، با این امید واهی که روزی به قصر پذیرفته شود. در این تلاش بیهوده، با فریدای پر رمز و راز برخورد می‌کند که از چک میلنا جنسکا، یکی از زنان اصلی زندگی کافکا الهام گرفته شده است. ولی او هرگز کلام، مقام رسمی قصر را ملاقات نخواهد کرد (کسی که شاید اصلاً یک مقام رسمی قصر نباشد و هویت فیزیکی او هم حتی در شبیه است) و کسی که تمام زبردستانش به او احترام می‌گذارند و تمام زنان دهکده اگر توسط او احضار شوند فوری به نزدش می‌روند.

تقریباً هر منظری از قصر بعد خاص خودش را دارد. در حقیقت هیچ چیز آنطور که به نظر می‌رسد یا حتی شبیه آنچه می‌گویند نیست. ولی ک. هیچ چیز واقعاً قابل فهم نیست. او که از سرگردانی در دهکده برقی به ستود آمده، وسوسه شده و وارث یک مری رمان عاشقانه می‌شود؛ ولی عمدتاً بی‌نتیجه می‌ماند و او را تهی و رانده شده و بسیار بی‌تر از وقتی که کلام شش می‌کند، با این که در واقع عملاً حتی یک هفته هم از آن نگذشته است.

یادداشتی بر متن: یافتن نسخه اصلی متن کافکا مانند گشتن به دنبال قصر است؛ جاده‌ها ظاهراً بی‌پایان و پر پیچ و خم هستند. من برای نوشتن ترجمه انگلیسی خودم از چند نسخه استفاده کردم. پایانی که در اینجا استفاده کردم از نسخه دست نوشته و پیش نویس کافکا است، نه از نسخه چاپ شده اصلی.